

مجله وانسکده ادبیات و علوم انسانی

شماره چهارم سال پانزدهم

۱۳۴۷

(شماره مسلسل ۶۲)

فروردین ماه

سرگذشت واژه گل

بقلم آقای دکتر بهرام فره‌وشی

واژه‌ها نیز برای خود زندگی و سرگذشتی دارند . بوجود می‌آیند، در هم می‌آمیزند، تحول می‌پذیرند، از دیاری به دیار دیگر سفر می‌کنند، کوتاه و بلند می‌شوند و سرانجام گاهی می‌میرند . گاهی تحول و تغییر رنگ آنها چنان می‌شود که پس از چندی هیچ شباهتی با اصل نخستین خود پیدا نمی‌کنند و بر اثر تحول در سرزمین‌های مختلف و لهجه‌های گوناگون چنان تغییر شکل می‌دهند که شناختن آنها بسیار دشوار می‌گردد و برای یافتن آنها محتاج حساب‌های دقیق زبانشناسی می‌شویم .

سرگذشت گل نیز در زبان فارسی چنین است . گل در مرزو بوم ایران سابقه زیاد دارد . شعر و ادب ما از دیرباز تا کنون گلریز و گلپزاست و اگر می‌بینیم که در شعر و ادب پارسی بیش از دیگر سرزمین‌ها سخن از گل می‌رود برای آنست که مردم این سرزمین از دورانی کهن به گل عشق می‌ورزیده‌اند و ایران زمین مهد پرورش گل بوده است .

اگر نگاهی به تاریخ طبیعی پلین Pline بیندازیم می‌بینیم که چقدر بوی گل و گیاه سرزمین گلخیز ایران را می‌دهد. میراثی که مغرب زمین از گل‌های گوناگون ایران برده است خود شایان گفتاری دیگر است.

در میان گلها، گل سرخ یا گل سوری بیشتر مورد توجه ایرانیان بوده و هنوز بوته‌های وحشی این گل در گوشه و کنار روستاها و فراوانی دیده می‌شود و گلاب از زمانهای قدیم شناخته شده بود و در مراسم مذهبی و در طب بکار می‌رفت و هنوز هم مورد استعمال است و در جشن‌ها، عروسی‌ها و میهمانی‌ها هنوز گلاب می‌گردانند.

واژه مرکب گلاب خود می‌رساند که گل مطلق بمعنی گل سرخ یا گل سوری است و در ادبیات فارسی نیز گل بیشتر به گل سوری اطلاق می‌شود. و شکل‌های مختلف این کلمه در دورانهای پیش از اسلام نیز بمعنی گل سرخ است.

به ریشه این واژه نخستین بار در اوستا برمی‌خوریم این واژه بصورت ورد varedha چندین بار در اوستا آمده است از آنجمله است در وندیداد فرگرد ۱۶ بند ۲. معادل فارسی باستان این واژه در کتیبه‌های فارسی باستان نیامده است ولی آنرا می‌توانیم از روی کلمه اوستایی و بنا بر قواعد زبانشناسی ایرانی باز ساز کنیم. این کلمه در فارسی باستان می‌بایستی varda بوده باشد که در دوره فارسی میانه در پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی vart و vard می‌دهد و در فرهنگهای فارسی نیز بصورت «ورد» باقی مانده است واژه ورد بمعنای گل در نام بسیاری از آبادیهای ایران باقی مانده است. ورد آورد vard-âvard که روستایی است نزدیک تهران و نامش مرکب است از vard و âvard بمعنی گل آور و نام سهرورد که روستایی است از روستاهای زنجان و مولد شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی است نیز از همین ریشه است. جزء اول کلمه سهرورد suhravard واژه suhr یا suxr است که صورت صحیح کلمه سرخ surx است و واژه سرخ surx فارسی شکل قلب شده است و سهرورد بمعنی سرخ گل است.

واژه ورد vard در دوره اشکانیان به ارمنستان راه می‌یابد و بصورت vard و

بعدها در ارمنی جدید بصورت *vârt* بمعنی گل سرخ استعمال می‌شود. از مشتقات این کلمه در ارمنی می‌توان نام خاص نوارت *Nevârt* را یاد آورد که از دو واژه ایرانی *nev* بمعنی نو و *vârt* بمعنی گل سرخ که مرکب شده است و معنی آن نو گل یا غنچه گل سرخ است و نام زنان ارمنی است. همچنین نام خاص وارتوهی *vârtuhi* از واژه *vârt* و پسوند تأنیث *uhi* ترکیب یافته و نام وارتوش نیز از همین ریشه است. نام وارتان همان وردان پهلوی است و مرکب است از *vart* و پسوند اتصاف *ân*. و نیز کلمه «وارتاپت» که نام خاص مردان ارمنی است از دو واژه ایرانی وارتا *vârta* و پت *Pet* ترکیب یافته است. وارتا بمعنی گل است و *Pet* همان واژه *Pat* پهلوی و *Paiti* اوستایی و بد فارسی است بمعنی سر و سرور و رئیس و «وارتاپت» بمعنی گلبن یا باغبان باغ گل است.

واژه ورد *vard* از سوی دیگر بزبان آرامی راه یافته و از آنجا بزبانهای دیگر سامی از جمله به عربی رفته است و ورد در فرهنگهای عربی بمعنی گل سرخ و رنگ سرخ یا شکوفه و گل زعفران آمده است. واژه ورد *vard* پهلوی از دوران فارسی میانه اشکانی در زبان پارسی و لهجه‌های گوناگون آن تحولات گوناگون یافت. نخستین تحول این کلمه بنا بر قاعده زبانشناسی ایرانی ($rd=l$) است و در اوایل دوران اشکانی صورت گرفته است. این شکل کهن را در گویش سمنانی می‌بینیم که واژه *varda* به وال *vâla* تحول یافته است و نیفتادن وایل آخر کلمه نشانی از قدمت آنست. در دوره‌های بعدتر با افتادن وایل *a* از آخر کلمه این واژه بصورت ول *vel* در آمده است. در برهان قاطع آمده: ول: بفتح اول و سکون ثانی بمعنی شکوفه باشد عموماً و شکوفه انگور گویند خصوصاً.

باباطاهر واژه ول را بمعنی گل استعمال کرده است:

مسلسل زلف برور ریته دیری ول و سنبل بهم آمیته دیری

پریشان چون کری آن تار زلفان بهر تاری دل آویته دیری

که معنی آن چنین است:

مسلسل زلف برور ریخته داری گل و سنبل بهم آمیخته داری

پریشان چون کنی آن تار زلفان بهر تاری دلی آویخته داری
در ترانه‌های روستایی این واژه گاهی بمعنی گل و گاهی بمعنی گلی که بدان عشق
می‌ورزند یعنی یار و معشوقه آمده است :


شب تاریک و ره باریک و ول مست کمون از دست من افتاد و بشکست
کمون دارون کمون از نو بسازید ولم یاغی شده مشکل دهد دست
در دوره‌های بعد این واژه از val و vel تحول یافته بصورت گل gul و در
لهجه‌ها gel در آمده است . در زبانشناسی تطبیقی ایرانی همواره یک v قدیمی بارنگ دادن
به وایل بعدی خود بصورت gu درمی‌آید مانند vishtâsp که gushtasp شده و vehrk
که gurg گرگ شده است و غیره .

بدین ترتیب واژه گل gul فارسی از واژه کهن اوستایی varedha در آمده است .
اما صورت اوستایی این واژه از شرق بسوی غرب گرائیده و در اطراف دریای
سیاه و مدیترانه بهمین صورت رایج شده است و یونانیان آنرا بصورت رودون wrodhon
و بعدها باحذف w بصورت رودون rodhon پذیرفته‌اند . زبان لاتینی نیز این واژه را
بقول میه Meillet زبانشناس معروف فرانسوی ، از تمدن مدیترانه‌ای گرفته است و این
واژه چه در یونانی و چه در لاتینی جزو لغات مشترک هند و اروپایی نیست و عاریتی است
از لهجه‌های شرقی ایرانی و با احتمال قوی از پارتی . واژه rodhon یونانی با افتادن n که
جزء تصریفی است از انتهای آن بصورت رد rodh تحول یافته و سپس در همه کشورهای
اروپایی بصورت rosa و rose در آمده است .

بنابر نوشته پلوتارک در کتاب اردشیر بند ۲۷ ، نام یکی از شاهزاده خانم‌های اشکانی
رودوگونه Rhodogune است . این شاهزاده خانم اشکانی دختر مهرداد اول (قرن
دوم پیش از میلاد) است که در سال ۱۴۰ پیش از میلاد بعقد ازدواج «دمتریوس نیکاتور»
پادشاه سوریا که زندانی پدرش بود در آمد .

نام شهبانو رودوگون Rhodogune ایرانی مرکب است از واژه «رودو» rhodo

بمعنی گل سرخ و گونه gune بمعنی گونه و «رودگونه» یعنی گلگونه یا رزگونه یا کسی که گونه‌اش برنگ گل سرخ است. نام رودگونه Rhodogune می‌رساند که در دوران مهرداد اشکانی واژه vareda با حذف v و دادن رنگ آن به وایل بی رنگ e. در زبان پهلوی اشکانی بصورت Rhodo در آمده بوده است و شکل rodhon یونانی که rose از آن مشتق شده است گویا اقتباس بعدی این کلمه توسط یونانیان از زبان پهلوی اشکانی است. نام رودگونه توسط کورنی شاعر بزرگ دوره کلاسیک فرانسه با نمایشنامه معروف رودگونه Rodogune که شرح حال این شاهزاده خانم است در ادبیات فرانسه شهرت یافت. بدین ترتیب از واژه varedha اوستایی واژه‌های vard و vel و gol و rose بمعنی گل سرخ در تمام زبانهای متمدن دنیای متمدن راه یافت و این نمونه‌ای از یک برگ زرین از تمدن باستانی ماست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی